

مخاطبان نمایش خانگی در پاییز راکد، ۸ درصد به نسبت سال گذشته رشد داشته‌است

صف‌پخش محتوا



محمدحسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

از لیست حدوداً ۴۰۰ تایی پلتفرم‌ها برای نیمه‌دوم ۱۴۰۴ و ابتدای ۱۴۰۵ حدوداً ۸ اثر به‌نمایش درمی‌آید. این یعنی پلتفرم‌ها در چند هفته گذشته تنها یک پنجم تولیداتشان را روانه پخش کرده‌اند و عمده تولیدات پخش شده در ۳ ماه پاییز همان‌هایی است که پخششان از حوالی تابستان آغاز شده‌است، سریال‌هایی که بنا بر آمار مراکز پژوهشی همچون متا نمی‌شود آن‌ها را سریال هیت (HIT) دانست. بنا بر آمار متا مهم‌ترین سریال‌های نمایش خانگی در آبان‌ماه، به ترتیب، از یادرفته، شغال، محکوم و بامداد خمار هستند. سریال‌هایی که بنا بر آمار متاهنج کدام نتوانستند از ۳۵ درصد مخاطب جامعه آماری این مرکز فراتر بروند و هیچ کدام نتوانستند به اندازه بازیخش یوسف پیامبر وایرال و پر مخاطب شوند. این موضوع بین سریال‌ها هم تنها جریان ندارد، برنامه‌های نمایش خانگی ای مثل نیمه‌شب، شغرونی، کارناوال و رباط صلیبی که از پربازدیدهای نمایش خانگی هستند، نتوانستند به آمار فراتر از ۲۱ درصد مخاطب برسند. باین همه قیاس آمار امسال نمایش خانگی باسال گذشته در همین بازه‌زمانی چند عدد قابل توجه را به نظر می‌رساند. آعدادی که نشان می‌دهد در همین دوران کسادی نمایش خانگی هم، سریال و برنامه‌های پلتفرم‌ها درصدد رشد قابل توجهی به نسبت سال گذشته‌داشته‌اند. در کنار این موضوع با ورود به آذرماه، تنوع تولیدات نمایش خانگی رشد پیدا می‌کند و حدود ۳ سریال به جدول پخش اضافه می‌شوند.

۸ درصد افزایش مخاطب نسبت به پاییز گذشته

بنا بر آمار و ارقام متا، نمایش خانگی از سال گذشته تاکنون حدود ۸ درصد رشد داشته‌است. آمار سریال‌ها حدود ۱۵٫۹ درصد افزایش را تجربه کرده و تولیدات رئالیتی‌شو ۶٫۶٪، این دو عدد نشان می‌دهد نمایش خانگی، هر قدر روی تولیدات سریال تمرکز کرده، توجه‌اش بر تولیدات رئالیتی‌شو و برنامه‌های تصویری را کاهش داده‌است و مخاطب آنچنانی نمی‌تواند بگیرد. در آبان سال گذشته جوکر ۵/۲۹٪ مخاطب گرفت و رکوردی را ثبت کرد که هیچ‌کدام از تولیدات نمایش خانگی در سال ۱۴۰۴ نتوانسته به این رکورد برسد. البته اگر این دو محتوا را کنار بگذاریم، مقایسه سه رتبه بعدی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، باز هم رشد در سال جاری را نشان می‌دهد. رتبه دوم تعداد مخاطب نمایش خانگی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به ترتیب به شب آهنگی و شغرونی می‌رسد که هرکدام ۱۲ و ۱۶ درصد مخاطب جذب کرده‌اند. این اعداد نشان می‌دهد که با حدود ۴ درصد کاهش مخاطب مواجه شدیم و این عدد چهار درصد در دیگر برنامه‌ها هم در همین حدود- ۲ تا ۳ درصد- باقی می‌ماند. این اوضاع در باره‌سرریال‌ها اما به‌طور کامل متفاوت است، بنا بر آمار متا، بین امسال و سال قبل، رشد چشمگیری در میزان مخاطبان سریال‌های نمایش خانگی را شاهد هستیم. به‌طور کلی و به‌صورت میانگین سریال‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۴ و در قیاس با آمار سال قبل حدود ۹٫۹ درصد افزایش را تجربه کرده‌اند و به‌عنوان مثال سریال از یادرفته به‌عنوان پر مخاطب‌ترین سریال نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۴ حدود ۲۲ درصد مخاطب می‌گیرد، این در حالی است که در مدت مشابه سال قبل گردزنی تنها حدود ۱۲٫۸ درصد مخاطب می‌گیرد و این یعنی ۱۹٫۲٪ افزایش به نسبت سال گذشته که به‌نظر چشمگیر می‌رسد. البته آمار اشاره‌شده تنها برای مهر و آبان صدق می‌کند و اگر بخواهیم آمارهای آذر را هم دخیل کنیم، طبیعتاً اعداد و ارقام جهشی جدی پیدا می‌کند.

چرا پیش‌بینی زمستان هم مثبت است؟

روی کاغذ عددی برای میزان مخاطب نمایش خانگی در آذر ۱۴۰۴ نداریم، اما با توجه به کیفیت آثار و واکنش مخاطبان به سریال‌های تازه پخش شده‌ای نظیر وحشی ۲، مو به مو و هزار و یک شب در شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت نمایش خانگی رشد محسوسی در میزان مخاطبانش خواهد داشت و احتمالاً با توجه به روند بازدیدهای وحشی ۲ در چند قسمت منتشر شده، شاهد قرار گرفتن این سریال در صدر بازدیدهای جدول نمایش خانگی خواهیم بود. سسروی اینکه وحشی ۲ با جواد عزتی و هومن سیدی دیده خواهد شد یا نه، نکته برجسته دیگری در آمارهای نمایش خانگی در سال جاری وجود دارد و آن هم تنوع است. یکی از انتقادات جدی به نمایش خانگی به خصوص در پخش ۱۴۰۳، به‌تصور کشیدن صرفاً سریال‌های جنایی و ملودرام‌های خشونت‌آمیز بود. اتفاقی که در نهایت با واکنش منفی مخاطبان و مردم مواجه شد. حالا به‌نظر می‌رسد نمایش خانگی بنا بر این بازخوردها خودش را به‌روزرسانی کرده و تنوع را در دستور کار محصولات قرار داده‌است. هزار یک شب با محتوای فانتزی، بامداد خمار در فضای تاریخی، برتا با شکل و شمایل پلیسی و مو به مو، شغال، از یادرفته و

محکوم با احوالات ملودرامی از محصولات این روزهای نمایش خانگی هستند که به نسبت دیگر بسترهای پخش رسانه‌ای آمار قابل توجهی را در میزان افزایش مخاطب به ثبت رسانده‌اند. سریال‌هایی که بنا بر نگاه منتقدان «فرهیختگان» به نسبت سال گذشته، از نظر کیفی و فنی نیز جدی‌تر و قابل بحث‌تر شده‌اند.

کیفیت‌های فنی در سیر صعودی

در ابتدای پاییز امسال انتقادات جدی به محصولات در حال پخش نمایش خانگی انجام شد که البته منتقدشان هم قابل درک بود. سریال‌های از یادرفته، شغال و محکوم از نگاه کیفیت قصه‌گویی و نرع پرداخت دچار ایراداتی جدی بودند. از یادرفته با آنکه توانست مخاطب بالایی بگیرد، اما نمی‌توان برای آن دستاورد فنی بیشتری در نسبت با دیگر اثر فیلمند در این گونه، در نظر گرفت. به‌عنوان مثال نونیم توبین بین از یادرفته و گردزنی تفاوتی قابل شویم. اوضاع برای محکوم و شغال هم بر همین مدار می‌گردد و این دو سریال این بیش از آنکه به دلیل کیفیت بالا پیشان مورد توجه قرار بگیرند، به دلیل نبود اثر چشمگیر دیگری در دیگر بسترهای تصویری مورد مشاهد قرار گرفتند. به‌عنوان مثال در نظر بگیریم که اگر تلویزیون در همین بازه زمانی مهر تا آبان سسریال با کیفیت و قابل توجهی را روانه پخش می‌کرد آیا باز هم محکوم و دیگر آثار نمایش خانگی دیده می‌شدند؟ این سؤال بحث‌های مفصلی را در بر دارد که حوصله این متن از آن خارج است. اگر بخواهیم با آذرماه به بعد نمایش خانگی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم ناگاهان متوجه یک جهشی کیفی جدی در تولیدات و آثار می‌شویم. سریال‌های وحشی ۲، هزار و یک شب و بامداد خمار از نظر کیفیت‌های بصری یک سرگردن از دیگر آثار نمایش خانگی جلوتر حرکت می‌کنند و با پخش هر قسمت موج قابل توجهی را در بسترهای مجازی ایجاد می‌کنند. بخشی از این موج ناشی از استرژژی پارتیزانی خود پلتفرم‌هاست، اما بخش قابل توجه دیگر این توجهات به دلیل جذب و تماشای مخاطب است. مخاطبی که در دو ماه اول پاییز به دنبال محتوای قابل مشاهده می‌گشت و حالا آن را در لابه‌لای تولیدات پلتفر می پیدا می‌کند.

آیا روند برنامه‌ها هم صعودی می‌شوند؟

نمایش خانگی به شکل مشخصی تمرکزش را در یک بازه‌زمانی بلندمدت ۳ تا ۴ ماهه از روی تولید بر نامه برداشت و از نظر تعداد مخاطب برخی برنامه‌ها مانند کارناوال نتوانستند مخاطب ثابتی پیدا کنند؛ هر چند که با نزدیک شدن به پایان برنامه میزان بازدیدهای آن‌ها هم افزایش پیدا کرد و ماجرای توعی که در تولیدات داستانی نمایش خانگی صدق می‌کرد حالا در برنامه‌های نمایش خانگی نیز قابل بررسی

است. البته که نمی‌توان مثل سریال‌ها خیلی محکم از این موضوع سخن گفت. در مدت مشابه سال گذشته چهار برنامه پربازدید شدند که از آن‌های تان به‌جوکر، شب آهنگی، شام ایرانی و گل یا پوچ اشاره کرد که همگی رئالیتی‌شو بودند و برنامه‌های گفت‌وگو محور عملاً دیده نمی‌شدند و میل به رئالیتی‌شوهای حساب پس داده‌ای همچون شام ایرانی و شب آهنگی قابل مشاهده‌است اما در سال جاری، نیمه‌شب، شغرونی، کارناوال و رباط صلیبی در بین پربازدیدها بودند که حضور تاک‌شو‌ها و نایت‌شو‌ها و البته برنامه‌های ترکیبی بیشتر به چشم می‌آید و به این لیست احتمالاً می‌توان برنامه ایوبالط حسینی و رامبد جوان به علاوه صابر اب و گل یا پوچ را هم اضافه کرد. برنامه‌هایی که احتمالاً تنوع را در زمستان حفظ خواهند کرد. در حال حاضر سه پلتفرم اصلی پخش یعنی فیلیمو، فیلمنت و شنیدا هر کدام دورنمایی‌شو را پخش می‌کنند و دو سریال را هم به چرخه تولید انداخته‌اند البته برخی پلتفرم‌ها تعداد برنامه‌هایشان بیش از ۲ تا است. این شرایط یعنی هر هفته مخاطب ایرانی با ۶ سریال و حداقل ۶ برنامه سرگرم می‌شود و این یعنی ۱۲ محتوا در طول یک هفته. به‌نظر می‌رسد در شرایطی که دیگر بسترهای رسانه‌ای با تعداد محتوایی کمتر از انگشتان دست، به دنبال مخاطب می‌گردند پلتفرم‌ها کار را با تکرر و تنوع روز به‌روز سخت و سخت‌تر کرده و زمستان را داغ و داغ‌تر می‌کنند. باوجوداینکه پاییز امسال در نگاه اول فصلی کمرق برای نمایش خانگی به نظر می‌رسید، اما آمارها حکایت از رشد ۸ درصدی کلی مخاطبان نسبت به سال گذشته دارند. این رشد البته ساختاری نامتوازن داشته‌است؛ درحالی‌که مخاطبان بخش سریال جهشی حدوداً ۱۶ درصدی را تجربه کرده‌اند، برنامه‌های ترکیبی و رئالیتی‌شو‌ها در غیاب پدیده‌هایی نظیر «جوکر» و رکوردهای سال قبل، نتوانستند موفقیت گذشته را تکرار کنند و با افت یا سکون مواجه شدند. تحلیل دقیق‌تر وضعیت بازار نشان می‌دهد که بخشی از اقبال عمومی به سریال‌های پاییزی، لزوماً ناشی از کیفیت خارق‌العاده آن‌ها نبود، بلکه خلأ محتوایی جدی در تلویزیون و سسایر رسانه‌ها، زمین بازی را برای پلتفرم‌ها بی‌رقیب کرد تا حتی آثار متوسط نیز سهم بازار خوبی کسب کنند. باین حال، چشم انداز زمستان کاملاً متفاوت و امیدوارکننده‌است. تغییر استراتژی پلتفرم‌ها از تولید ملودرام‌های تکراری به سمت تنوع ژانر (فانتزی، تاریخی و پلیسی) و ارتقای مشهود کیفیت فنی در آثاری چون وحشی ۲ و هزار و یک شب، نشان‌دهنده نوعی بلوغ در این صنعت است. به نظر می‌رسد دوران اتکای صرف به برنامه‌های ارزان‌قیمت گذشته و ذائقه مخاطب به سمت کیفیت دراماتیک و بصری تغییر کرده‌است. اکنون پلتفرم‌ها با عرضه هفتگی حدود ۱۲ عنوان محتوا، ترافیک سنگینی ایجاد کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود زمستان سرد امسال را با رقابت داغ و مبتنی بر کیفیت، به نفع مخاطب تغییر دهند.

مقایسهٔ میزان مخاطب سریال های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (بنا بر آمار متا)				
پرمخاطب‌ترین سریال‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۴	درصد مخاطب	پرمخاطب‌ترین سریال‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳	درصد مخاطب	میزان تغییر (درصد)
از یاد رفته	۱۲٫۸	شغال	۱۲٫۲	۱۹٫۲
محکوم	۹٫۶	محکوم	۹٫۶	۱۵٫۸
بامداد خمار	۷٫۷	بامداد خمار	۷٫۷	۱۴٫۳

مقایسهٔ میزان مخاطب برنامه‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (بنا بر آمار متا)				
پرمخاطب‌ترین برنامه‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳	درصد مخاطب	پرمخاطب‌ترین برنامه‌های نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۴	درصد مخاطب	میزان تغییر (درصد)
جوکر	۲۹٫۵	نیمه‌شب	۲۱٫۰	-۸٫۵
شب آهنگی	۱۲٫۰	شغرونی	۱۶٫۰	۴٫۰
شام ایرانی	۸٫۱	کارناوال	۱۳٫۰	۴٫۹
گل یا پوچ	۷٫۹	رباط صلیبی	۱۰٫۰	۲٫۱

مقایسهٔ میانگین مخاطب آثار نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ (بنا بر آمار متا)

میانگین افزایش یا کاهش میزان مخاطبان ۴ سریال پربازدید نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ به نسبت آبان ۱۴۰۴	۱۵٫۹ درصد	میانگین افزایش یا کاهش میزان مخاطبان ۴ برنامه پربازدید نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ به نسبت آبان ۱۴۰۴	۰٫۶ درصد	میانگین رشد میزان مخاطبان ۴ اثر پربازدید نمایش خانگی در آبان ۱۴۰۳ به نسبت آبان ۱۴۰۴	۸٫۳ درصد
--	-----------	---	----------	---	----------

استاد ناظری عزیز! تا به حال بر مزار حافظ و سعدی و فردوسی رفته‌اید؟

تاریخ نخواندن، رهزن اهل هنر است



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

«شهرام ناظری» آوازخوان موسیقی ملی ایران پس از مدت‌ها در صدر توجه رسانه‌ها قرار گرفت. اما این بار خبری از اجرای صحنه‌ای موسیقی یا انتشار آلبومی تازه از وی نبود. ناظری با حضور در دانشگاه سلجوق ترکیه عنوان کرد که ما در مقام شهر وندان ایرانی باید از این کشور، مسئولان و مردمش به‌خاطر حفظ و ترویج مکتب مولانا تشکر کنیم؛ اگر این میراث در ایران بود در سایه‌ی وی توجهی مسئولان به‌مقای می‌رفت(نقل به مضمون). می‌توان صدای شهرام ناظری، هنرش و تلاش او برای حفظ موسیقی سنتی را ارج نهاد و کارنامه‌اش را مورد ستایش قرار داد، اما اطلاعات استاد در مورد جایگاه مولانا در ایران کامل نیست و همین نکته‌قضایوت وی از شرایط را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از طرفی ستایش مبالغه‌آمیز آقای ناظری از ملت و دولت ترکیه نسبت چندان بی‌ارفتار این کشور با مشاهیر و چهره‌های تاثیرگذارش در حیات اجتماعی همسایه غربی ندارد. در همین راستا قصد داریم حرف استاد را کامل کنیم تا خواننده با روایت موجهی از حضور آقای ناظری در دانشگاه سلجوق ترکیه دست پیدا کند.

وقتی احمد کایا تکفیر شد

تقریباً هیچ ایرانی علاقه‌مند به حوزه موسیقی خاورمیانه نیست که «احمد کایا» را نشناسد. او که از بزرگ‌ترین هنرمندان و خوانندگان معاصر موسیقی ترکی-کُردی است، در اغلب آثارش نسبت به شرایط اجتماعی و اقتصادی ترکیه معترض بود و هزینه‌اش را هم با مرگ خویش پرداخت کرد! کایا از پدر و مادری کرد در شهر علوی نشین ملاطیه زاده شد و در سراسر زندگی‌اش چیزی جز فقر و درد اعتراض نصیبش نشد. آن‌ها که شناخت خوبی نسبت به فضای ترکیه دارند گواهی می‌دهند که اقلیت کردنشین در این کشور حال و روز خوشی ندارند و حتی زبان‌شان تا سال‌ها

بهرام بیضایی در روز تولدش درگذشت

درام آخر آقای نمایشنامه نویس



بیضایی را از کجا شناختیم؟ با چه تصویری و یا چه نگاهی؟ آیا او همان سسخرنان شب‌های

واقع بود و همان کسی است که از تمام حجت مسلمانی جوان نصرانی گفت؟ بیضایی همان بیضایی کارگردان باشوس‌ت؟ یا اینکه همان پیرمرد غریب و شرقی سرزمین‌های دور غربی؟ بیضایی را به چه می‌شناسیم. او را با کدام عینک می‌بینیم؟ چرا روایت زندگی بیضایی برایمان اینقدر غریب است؟ جوانی در حوالی روزهای میانی دهه چهل که با ابروهای پیوسته در محافل ادبی حاضر می‌شد و چشماش به جفتی دوخته می‌شد و همان نگاه نافذ، بیضایی را در متن اصلی یاد آدم‌ها نگاه می‌داشت. علی نصیریان درباره آن سال‌ها می‌گوید: «تاثیر رفت به‌سمت متن‌های

آقای بیضایی، آقای رادی و آقای غلامحسین ساعدی که این‌ها علمدار این دوران تئاتری بودند که کارشان تئاتر اجتماعی بود و به جامعه داشتند می‌گفتند که در آن زمان چه اتفاقی دارد می‌افتد.» بیضایی خیلی زود شد زبان بیانگر طبقه و جامعه‌ای که درکش می‌کرد و از آن زاویه به سراغ سوژه‌هایی رفت که کسی آن‌ها را نمی‌دید. بیضایی در تمام این سال‌ها نان همان نگاه را خورد. او خلاف جهت می‌دید و خلاف رودخانه‌ها قصه می‌گفت. در همین سبیر و سلوک، گشت به دنبال هویت خودش و طرح کرد. پرسش‌هایی که پاسخی جز قصه نداشت، هر چند که گاهی ممکن است با پرسش‌ها و قصه‌ها بیضایی موافق نباشیم ولی نمی‌توانیم روی این جمله خط بکشیم که روش بیضاییی برای مواجهه با سؤالاتش قابل تحسین بود. او پرسش‌هایش را تبدیل به متن می‌کرد و با آن‌ها درگیر می‌شد، به همین دلیل آنچه در فیلم‌هایش به تصویر می‌آمد تنها و تنها حاصل چرخشی دورنی بود. چرخشی به دور خود و هویتی که دائماً سسؤال طرح می‌کرد و موقعیتی را تعریف می‌کرد. بیضایی از این جهت با همه فرق می‌کرد، او تا به پاسخی می‌رسید آن را بدل به اثر می‌کرد و از جایی به بعد این فرایند پرسش و پاسخ برایش مستهلک شد. شاید از این حیث بیضایی و تقوایی شبیه به هم باشند. آدم‌هایی با مغزهای بزرگ و پرسش‌هایی فراوان که از جایی به بعد در این مسیر مستهلک شدند و خیلی از پرسش‌ها را بدون پاسخ رها کردند. مثلاً یکی از این سؤالات همیشه این بوده که چطور می‌شود این مجموعه آثار متفاوتی که او ساخته را مربوط به یک انسان دانست؟ چطور می‌شود تهیه‌کننده یزدک‌سوم، مسئله‌اش بشود ساختن سگ‌کشی؟ چطور می‌شود نویسنده «روز واقعه»، «مسافران» را هم بسازد. شاید این هم یکی از خصلت‌های زمانه ما باشد، آن‌قدر همه چیز شبیه به هم شده که دیگر نمی‌شود به این فکر کرد که یک کارگردان می‌تواند کارهای متفاوت و متمایزی داشته باشد. شاید این جمله را بسیاری دوست نداشته باشند؛ اما ما هم همگام با مرحوم بیضایی بهتر است خیلی به خوش آمدن کسی نگاه نکنیم و این جمله را بگویم: بیضایی شاید از جایی به بعد دیگر فرزند زمانه خودش نبود، او وقتی که دید زمانه دارد به سرعت حرکت می‌کند و نمی‌شود چیزی را ساخت که هم‌پای آن باشد، دوربینش را کنار گذاشت. به متن‌هایش پناه برد تا بتواند به آن همه انبوه سسؤال پاسخ بگوید، فارغ از اینکه بیرون از آن آتاقش انبوه دیگری از سسؤال تشکیل می‌شد. بیضایی در همین ۸۷ سال ۲۴ فیلم کوتاه و بلند ساخت و تمام تلاشش را کرد که با منظری متفاوت نگاه کند؛ اما روزگار گاهی به آدم‌ها ساده نمی‌گیرد. گاهی اتفاقات چنان از پی همدیگر می‌آیند که بهترین‌ها را هم هاج و واج نگه می‌دارند و شاید دچار پاسخ‌های اشتباهی هم کند. شاید اگر بیضایی در آتاقش نمی‌ماند، شاید آن پیرمرد شرقی غریب نبود و شاید اگر پای تخته و پشتت دوربین می‌آمد، حالا ما پاسخ‌های بیشتر از کارگردان «باشو» می‌گرفتیم. کارگردانی که احتمالاً تا سال‌های دیگر کسی نتواند دستاوردی چون او برای سینمای ایران به ار مغان بیاورد. این حالا ما هستیم که باید از خودمان بپرسیم بیضایی را به چه چیزی می‌شناسیم؟ پیرمرد شرقی دور یا راوی حجت مسلمانی جوان نصرانی؟



تمام کاستی‌ها و ترک فعل‌ها احترام ویژه‌ای برای مولانا و شعریایی چون او قائل شده است. مقبره این شاعر بزرگ و پرآوازه در شهر قونیه ترکیه قرار دارد، اما آیا این حقّی را برای میزبان برای صاحب مولانا به نفع مقاصد سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌کند؟ آن‌هم در صورتی که شاعر قرن هفتم هجری ما حتی یک مصرع شعر به زبان ترکی ندارد! به بیان دیگر، ترکیه تنها از جنبه توریستی مولانا بهره‌برده و هیچ نشانی از نوع نگاه این شاعر و حکیم ایرانی در نوع سیاست‌ورزی حکمرانان این کشور مشاهده نمی‌شود که اکنون بخواهند بدین واسطه به جهان پیروانشان فخر بفروشند. مسئولان ما کم‌کاری کردند، اما مگر می‌شود از جاعات متعدد هنرمندان ایران در زمینه‌ی پس‌زمینه آثارشان به مولانا راندایده گرفت و یک‌طرفه‌ای صادر کرد؟ در یک نمونه قابل اشاره، «محسن چاووش» و «حسن فتحی» قرار دارند که فارغ از ارزش گذاری‌های مرسوم، مولانا و شیوه نگاه وی به جهان را در آثار خویش جانمایی کرده‌اند و چشم و قلم ایرانیان در این سال‌ها دور از میراث گرانبهایشان در ادبیات نبوده‌است. اغلب ترانه‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و سریال‌هایی که در این سال‌ها منتشر، توزیع و پخش شده‌اند با مجوز رسمی ارشاد و نهادهای ذیربط به این نقطه رسیده‌اند و نمی‌توان مسائلی از این دست را به‌طور کل نادیده گرفت. شهرام ناظری، محمد رضا شجریان و بسیاری از خوانندگان مطرح موسیقی سنتی (از برنامه گل‌ها به این طرف) به‌عنوان حاملان زبان شعری مولانا، سعدی، حافظ، خیام و... شهرت خویش را به میلیون سازوکارهای موجود در وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایرانند، زیرا در آن سال‌ها که موسیقی موضوعیت و محلی برای اعراب نداشت، این اعضای کانون فرهنگی و هنری چاووش، گروه عارف و شیدا و... بودند که توانستند از امکان قانونی شکل گرفته در آن آبان نهایت استفاده را ببرند و مخاطب جوان آن روزها را به شعر و آواز ایرانی آشنا کنند. از طرف دیگر، حمایت مقام معظم رهبری از شعر فارسی، به‌ویژه اشعار قدیمی‌ما در نوع خودش بی‌نظیر است، به‌شکلی که مسئولان عالی‌رتبه دولت ترکیه باید این میزان از تسلط روی شعر را تنها در خواب ببینند.

ما برای مولانا جان دادیم دوست عزیز

ادعای شهرام ناظری درخصوص اهمیت ندانن به مولانا و میراث عرفا و شعرای ما می‌تواند درست باشد، اما این گزاره خام است و وقتی با یک نتیجه‌گیری نادرست همراه می‌شود باید فاتحه‌اش را خواند. جمهوری اسلامی و مقایسه با سلف خود، اهتمام بیشتری به حفظ میراث ملموس و ناملموس فرهنگی ایرانی داشته و با وجود

فرهیختگان

فرهیختگان

یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴

شماره ۴۵۹۳

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

۵